

مجلس مذاکرات

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۳

فهرست مطالب:

- ۳ - طرح برنامه دولت
- ۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

۱ - تصویب صورت مجلس

۲ - بیانات آقایان رئیس و طوسی راجع به زلزله گرگان

(مجلس یک ساعت و سه دقیقه قبل از ظهر برپاست آقای آقا سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید)

صورت مجلس روز ۲۰ فروردین ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند ***

[۲- بیانات آقای رئیس و طوسی راجع بزلزله گرگان]

رئیس - امروز توجه مجلس شورای اسلامی معطوف بحداده تألم انگیز کر کان است بنده یقین دارم که تمام نمایندگان بلا استثناء در این موضوع با بنده هم آوازند و آنچه عرض میکنم از طرف اتفاق نمایندگان است (صحیح است) زیرا بسیاری از آقایان نمایندگان از بنده خواسته اند که احساسات مجلس شورای اسلامی و توجه خاص مجلس را باین موضوع اعلام کنم. گذشته از مبدأ اخلاقی که شاعر شهرها بعالی بشریت اعلام کرده است و گفته است. چو عضوی بدرد آورد روز کار د گر عضوها را نماند قرار امناساً نمایندگان

[۱- تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست کویا آقای دکتر مصدق راجع باصلاح نطق خودشان در جلسه گذشته فرمایشاتی دارند.

دکتر مصدق - بنده خواستم عرض کنم منظور بنده در نطق جلسه گذشته در برنامه دولت مستشار دولت امریکا بوده است اگر کلمه مستشار ضمن مذاکرات افتاده است اصلاح شود منظورم مستشار دولت امریکا بوده است. (صحیح است)

رئیس - اصلاح میشود در صورت مجلس دیگر نظری نیست. (گفته شد خیر) صورت مجلس تصویب شد.

(مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

عین مذاکرات مشروح هفدهمین جلسه از چهاردهمین دوره قانون گذاری

اداگه تند اولیسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غاییین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غاییین بی اجازه - آقایان ، کفاشی - مؤید فوامی - طرانچی
دیر آمد بی اجازه - آقای منصف

مجلس شورای ملی که فرستادگان ملتند از همه کس احق و اولی هستند که در خوشی های ملت خوشی و در تأمات ملت متألم و در هر موضوع با ملت همدردی کامل داشته باشند. این است که تمام حواس ما متوجه این حادثه و منتظر جبران هائی است که باید در این موضوع عمل آید اگر چه ما اطلاع داریم که دولت ما جداً باین موضوع متوجه شده و اقدامات مقدماتی انجام وظایف خود را در این باب به عمل آورده است و هیئتی از اشخاص لایق فهمی بطرف گرگان اعزام شده معاذلک مجلس انتظار قطعی دارد که این اقدامات توالي و امتداد داشته باشد و با تمام وسائلی که در دست است اوازم مادی و فنی جبران خدمات آسیب زدگان گرگان فراهم و عملی بشود همچنان انتظار داریم که خیر خواهان وارباب فتوت ملت و آنانی که در راه سعادت و امداد عمومی از هیچ مجاهده و کوشش درین ندارند باین موضوع توجه کرده اجتماعات خیریه ای که مقتضی است فراهم سازند و هر نوع مساعدت که بتوانند در این کار بگذرند نمایند گان مجلس نظر بوظیفه مخصوصی که دارند از هیچگونه اقدام و مساعی که حق آنان است کوتاهی نخواهند کرد امیدوارم در جبران کسرور این حادثه فجیع که در ابتداء شروع مجلس با ایجاد وظیفه پیش آمده است تکلیفات خود را اما کاملاً انجام بدیم (نمایندگان انشاء الله) آقایان چند نفر در این باب اجازه خواسته اند که صحبت بگذرند اولاً آقای طوسی هستند.

جرجانی - بندۀ خیلی تشکر میکنم از مقام ریاست از فرمایشاتی که کردند.

رؤیس - آقایان چند نفر اجازه خواسته اند آقای طوسی امینی - گویا آقای نخست وزیر میخواهند توضیحاتی از اقدامات دولت بدهنند و شاید بهتر باشد.

یمین اسفندیاری - بعلاوه روح مطلب همان بود که مقام ریاست فرمودند.

نخست وزیر - همانطور که آقای رئیس محترم مجلس فرمودند واقعه گرگان هبھه مارا متألم کرده است و بمجردی

جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست رأی بگیرید سید ضیاء الدین طباطبائی - بندۀ مخالف

تجدد - پس اجازه بفرمائید بندۀ توضیح عرض کنم رئیس - بفرمائید

تجدد - هیچگس مخالف باورود بستور نیست و بندۀ هم زیاد نیخواهم صحبت کنم در این پیشنهاد اولاً مهمترین چیزی که امروز در گرگان است مسئله نداشتن خانه است مینویسد نود در صد خانه ها خراب شده است یکنفر از نمایندگان - صدی هفتاد آقا.

تجدد - تلگرافات اینجا هست آقا میخواهید بخوانم (خبر) آنوقت برای خاطر این که حقیقت این اعانتی که جمع میشود در موردش صرف بشود و همچنین مجلس شورای ملی شرکت واقعی خودش را با این بلا دیدگان نشان بدهد این پیشنهاد را بندۀ کردم و خیال می کنم این پیشنهاد یک راه عملی باشد و وسائل آسایش این پیچار گان را فراهم بیاورد. حالا آقا مخالفند بفرمائند.

رؤیس - آقای سید ضیاء الدین طباطبائی.

سید ضیاء الدین طباطبائی - شش روز است در گرگان زلزله شده است دولت اقداماتی کرده است شیر و خورشید سرخ هم اقداماتی کرده است بندۀ هم از سه روز قبل اقداماتی کرده ام مجلس شورای ملی وظایف بزرگی دارد اگر مابخواهم این کار هارا بعهدۀ مجلس شورای ملی بگذاریم کارهای مجلس شورای ملی را چه کسی خواهد کرد تشکیلات حزبی که در طهران شروع شده است و امروز شش هزار نفر افراد این شهر در تشکیلات این حزب هستند و مخالفین اسم آن را حزب حلقه گذاشته اند از سه روز قبل مشغول این اقدامات شده اگر آقایان نمایندگان اجازه بدنهند داوطلب انجام این خدمت هستند و هر راهی بفرمائند و هر فرمایشی بفرمائند انجام میدهند.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیرید به پیشنهاد.

رؤیس - کسانی که با پیشنهاد آقای تجدد موافقند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

کرگان (چون خیلی از بین رفته اند) اجازه میخواهم بهم خودم باین منویات پاک تأسی کنم مطابق اطلاعاتی که بذست آمده دولت و شیر و خورشید سرخ و بزرگواران دیگر هم اقدامات و توجهات مادی و معنوی کرده اند و باز هم مشغول هستند و اگر اجازه بفرمائید بندۀ پیشنهاد میکنم مجلس شورای ملی مستقل‌اً دفتر اعانه باز کند و اقدامات مستقیمی بگند شاید بهتر و خوبتر بستگیری از این ستمدیده ها موفق شود (صحیح است) از این موقع استفاده میکنم و بدلت و مخصوصاً با آقای وزیر دارایی یادآوری میکنم که پرسش بفرمائند اولاً در ساوه انبارهای مهمی از گندم و جو مازاد موجود بوده که بنرخ دولتی فروخته شده و در همانجا انبار شده مد نیست مرتباً همه روزه همین گندم و جو با کامیونهای دولت باجیل وند حمل میشود و از آنچا باهوام میبرند چون بصحت خبر اطمینان کامل دارم است دعا میکنم مطمئن بفرمائند برای کی و برای چه باهوام حمل میشود

ثانیاً آقای وزیر دارایی از بنگاه کارگرینی سؤال بفرمائید چه علت دارد کارمندان لایق و شایسته را زاین بنگاه خارج کرده اند اگر از نظر صرفه بودجه است بچه مناسبت با نوئی که زبان فارسی درست یا هیچ نمیداند با سمعت مترجمی و معاونت فنی این بنگاه باماهی چهار صد پنجاه تومان استخدام میکند (دکتر عبدیه - در اثر حسن خدمت بوده) (خنده نمایندگان) در حالیکه شاید واجد شرایط قانونی هم نباشد رئیس - سه چهار نفر اجازه خواسته اند قبل از دستور راجع باین موضوع حرف بزنند (جمعی از نمایندگان - دستور دستور) بنابر این شروع میشود بستور آقای تجدد پیشنهاد کرده اند راجع بمسیله گرگان که شش نفر از شش شعبه انتخاب بشوند اگر آقایان موافقند این پیشنهاد خوانده شود بعد وارد دستور بشویم :

بندۀ پیشنهاد میکنم که از هر شعبه یک نفر بنام کمیسیون کمک و همراهی با سیب دیدگان شهر گرگان انتخاب بشود و تحت ریاست رئیس محترم مجلس شورای ملی نظارت و مراقبت در تأمین آسایش مردم بلا دیده آنچا بعمل آورند.

که اطلاع بدولت رسید فوراً در صدد اقدامات مؤثر برآمدیم جلسه شیر و خورشید سرخ را خواهش کردیم فوراً تشكیل دهنده و آن اقداماتی که لازم است و کمک هایی که ممکن است از طرف دولت بشود فوراً عملی شود اقدام هم شدواز طرف دولت به تمام نمایندگان ایران که در خارج هستند و تمام ایالات و ولایات تلگرافاتی شد یعنی جمع آوری اعانه و بوزارت اعانه داده شد که بین خودشان کارمندان دولت دفاتر اعانه باز کنند برای شرکت در این امر و از آقای بیان وزیر مشاور خواهش شد که در این امر نظارت و رسیدگی کنند. اقداماتی هم که از طرف وزارت بهداری به عمل آمده است امروز با تمام وسائل ممکن از حیث دوا و طبیب و پرستار بطرف گرگان رسپارشد از طرف وزارت جنگ هم یک کامیون پنجاه چادر فرستاده شد و در صدد هستیم که امروز هم یک مقداری بفرستیم پنجهزار متراچوار هندی پنجهزار مترا متقابل ۵ تن قند و پانصد کیلوچاری و دویست و بیست کیلوشیرخشک از انبارهای دارایی تحویل شده و یک اتوبیل هم با ختیار شیر و خورشید سرخ گذارده شده و برای حمل سیصد پتو و دوا و سایر اجنباسی که حاضر شده دیر و زچهار کامیون بشیر و خورشید سرخ تحویل و اجنباس فوق حمل گردید فردا هم آقای دکتر مرزبان خودشان تشریف فرما خواهند شد آن چیزی که لازم است از طرف دولت بعمل بینندگان کمکهایی که لازم است بگذاریم از هیچ نوع کوتاهی نخواهیم کرد و از ابراز احساسات مجلس شورای ملی نسبت باین بدینختی که عارض گرگان شده است خیلی متشرک و اطمینان داشته باشند که دولت در این امر از هیچ اقدامی کوتاهی نخودداری نخواهد کرد.

رؤیس - آقای طوسی .

جمعی از نمایندگان - کافی است دستور دستور... طوسی - میرسید بستور قدری تا مل بفرمائید شاید نظری باشد که گفتش لازم باشد. با اظهار عرض تشکر از احساسات و فرمایشات ریاست عظیمی و تشکر از اقدامات دولت که البته همه ناشی از قلب متأثر و تراوش افکار نوع دوستی و ابرازیات دلسوی و همدردی با مردم و بازماندگان اهالی

اینکه میفرمایند سعی در تقلیل قیمت‌ها خوب بود بفرمایند که با چه وسیله میخواهند این کار را بکنند موضوعی که سبب گرانی شده است زندگانی را غیر قابل تحمل کرده است برای مردم بعقیده بنده نظر اسکناس زیاد است در شهریور ۱۳۹۰ مقدار اسکناسی که در جریان بود صد هیلیون تومان بود (یکنفر از نمایندگان - صد و شصت هیلیون تومان) به صدوشست هیلیون و مقدار جنسی هم کشور در مرضیقه زیادی از جهت خواربار نبودند و بحمدالله بصورت مطلوبی برگزار شد و این ارتباط بحسن جریان اداره غله نداشته بلکه بعکس هرجا اگر مرضیقه‌ای بودنش از مداخلات مأمورین غله بوده و مطلب بقدرتی واضح و مدلل است که توضیح زیادی را در این مورد لازم نمیدانم. سال حاضر آثار خشکسالی از طرفی و از طرفی هم چون دولت در خرید محصول کشاورزان در سال گذشته اقدام ننمود و در نتیجه مخصوص کشاورزی تنزل فاحشی نمود در هذالسنی بیم این میرود که زارین آن رغبتی را که باید بکشت نشان بدنهند نخواهند داد و این دو عامل سبب میشود که مردم نسبت به موضوع خواربار نگران باشند و حق آن بود برنامه دولت منحصر بایک مطالعه کامل و دقیق نبوده کوچکترین نتیجه از آن عاید مملکت نشده ضیجه و واله مردم ولایات و مرکز از نداشتن و نرسیدن اجنب انصاری وقت تمام آقایان را گرفته و مستشاران آمریکائی ما نتوانسته و نمیتوانند توزیع کوچکترین اجنب انصاری را بین مردم تأمین نمایند. توزیع قماش با تقسیم و عوض شدن چند مدیر کل آمریکائی و دیدن منظمه خیابان فردوسی بهترین شاهد است و تغییر پست دادن مستخدمه‌این آمریکائی خود ثابت میکند که این آقایان هیچیک در امری داشتند کوچکترین اطلاع و سابقه عمل ندارند و اداره امور اقتصادی کشور ما میدان آزمایش واقع کشته اطلاع‌داریم میلیونها متربارچه کارخانجات کشور در اینجاها دارد ازین میرود همینطور اجنب دیگر انصاری و مردم ولایات با احتیاج مبرمی که بیک مترا آن دارند با مواعید مکرر دولت آقای رئیس کل مالیه نتوانستند و با نخواستن، برای توزیع آن ترتیبی بدنهند و این اختلال دولت موجب شده که قماش از یکسال نهیه بیک قبه نهیه نفیش، را بر کلیه ضروریات زندگانی خود ترجیح میدهند این انقلاب فکری برای نهیه اسلحه آسایش

باينطرف صدی ششصد ترقی نموده جراید را مطالعه و از موارد تخلف و بدینختی های گوناگون استحضار حاصل نمایید من عقیده دارم تمام اصلاحات منظور در برنامه را کنار گذاشته و موارد فوق را مورد توجه قرار دهند. سال گذشته در اثر کشت زیاد و مساعدت جوی مردم این کشور در مرضیقه زیادی از جهت خواربار نبودند و بحمدالله بصورت مطلوبی برگزار شد و این ارتباط بحسن جریان اداره غله نداشته بلکه بعکس هرجا اگر مرضیقه‌ای بودنش از مداخلات مأمورین غله بوده و مطلب بقدرتی واضح و مدلل است که توضیح زیادی را در این مورد لازم نمیدانم. سال حاضر آثار خشکسالی از طرفی و از طرفی هم چون دولت در خرید محصول کشاورزان در سال گذشته اقدام ننمود و در نتیجه با وضع آین نامه‌ها که اثر قانونی دارد نمود می‌بینیم نه فقط کوچکترین نتیجه عاید دولت و مردم کشور نشده بلکه وضع گرانی و بدینختی مردم روز بروز بایک قوس صعودی در افزایش است و عملاً ثابت شده که تمام این مقر رانی که وضع شده و میشود چون بایک مطالعه کامل و دقیق نبوده کوچکترین نتیجه از آن عاید مملکت نشده ضیجه و واله مردم ولایات و مرکز از نداشتن و نرسیدن اجنب انصاری وقت تمام آقایان را گرفته و مستشاران آمریکائی ما نتوانسته و نمیتوانند توزیع کوچکترین اجنب انصاری را بین مردم تأمین نمایند. توزیع قماش با تقسیم و عوض شدن چند مدیر کل آمریکائی و دیدن منظمه خیابان فردوسی بهترین شاهد است و تغییر پست دادن مستخدمه‌این آمریکائی خود ثابت میکند که این آقایان هیچیک در امری داشتند کوچکترین اطلاع و سابقه عمل ندارند و اداره امور اقتصادی کشور ما میدان آزمایش واقع کشته اطلاع‌داریم میلیونها متربارچه کارخانجات کشور در اینجاها دارد ازین میرود همینطور اجنب دیگر انصاری و مردم ولایات با احتیاج مبرمی که بیک مترا آن دارند با مواعید مکرر دولت آقای رئیس کل مالیه نتوانستند و با نخواستن، برای توزیع آن ترتیبی بدنهند و این اختلال دولت موجب شده که قماش از یکسال

عمومی را تهدید میکند و پس از رفتن متفقین این مملکت را بیک کانون آتش مبدل میکنند و من عقیده داشتم دولت در سر اوحه برنامه خود این موضوع مهم را مورد علاقه و توجه قرار میداد و معلوم میداشت اولاً موجب این پریشانی افکار برای تدارک اسلحه چیست و ثانیاً برای رفع آن چه تدبیری درنظر گرفته شده و میشود و باز هم شنیده میشود که قسمت مهم اسلحه از ناحیه مأمورین انتظامی و ارش امنیتی میرسد و این جریان روش میکند که هیچ گونه حساب و کتابی در کار نیست و بنظر من وظیفه دولت سر و سامان دادن باین موضوع است. موضوع دوم وضع اقتصادی کشور و افزایش باتمام قوانین و اختیاراتی که مجلس سیزدهم به میسیون آمریکائی داد و باتمام فعالیتهای که رئیس کل مالیه با وضع آین نامه‌ها که اثر قانونی دارد نمود می‌بینیم نه فقط کوچکترین نتیجه عاید دولت و مردم کشور نشده بلکه وضع گرانی و بدینختی مردم روز بروز بایک قوس صعودی در افزایش است و عملاً ثابت شده که تمام این مقر رانی که وضع شده و میشود چون بایک مطالعه کامل و دقیق نبوده کوچکترین نتیجه از آن عاید مملکت نشده ضیجه و واله مردم ولایات و مرکز از نداشتن و نرسیدن اجنب انصاری وقت تمام آقایان را گرفته و مستشاران آمریکائی ما نتوانسته و نمیتوانند توزیع کوچکترین اجنب انصاری را بین مردم تأمین نمایند. توزیع قماش با تقسیم و عوض شدن چند مدیر کل آمریکائی و دیدن منظمه خیابان فردوسی بهترین شاهد است و تغییر پست دادن مستخدمه‌این آمریکائی خود ثابت میکند که این آقایان هیچیک در امری داشتند کوچکترین اطلاع و سابقه عمل ندارند و اداره امور اقتصادی کشور ما میدان آزمایش واقع کشته اطلاع‌داریم میلیونها متربارچه کارخانجات کشور در اینجاها دارد ازین میرود همینطور اجنب دیگر انصاری و مردم ولایات با احتیاج مبرمی که بیک مترا آن دارند با مواعید مکرر دولت آقای رئیس کل مالیه نتوانستند و با نخواستن، برای توزیع آن ترتیبی بدنهند و این اختلال دولت موجب شده که قماش از یکسال

جمعی از نمایندگان - دستور .
رئیس - برنامه هیئت دولت مطرح است آقای دکتر اعتبار مخالفید بفرمائید .

دکتر اعتبار - بنده قبل از اینکه وارد بحث در برنامه دولت بشوم موضوعی که توجه آن را بنده بی‌لهمیت قابل دقت میدام متذکر میکرم و آن موضوع مستشاران آمریکائی است اگر بناشود این آقایان بالاین رویه‌ای که اتخاذ نموده‌اند باعمال خود ادامه بدهند هم این دولت و هم این مجلس هردو زائدند و فقط راهی که باقیمانده آن است که ما برویم به محض و مملکت را قبله کرده بست آقایان بدهیم و خودمان هم چون اشخاص نادرستی خدمت آقایان معرفی شده‌ایم از این مملکت هجرت بکنیم بنده در این خصوص شخصاً معتقدم چون اتخاذ هر گونه تصمیمی باید با کمال دقت بشود موضوع در کمیسیون مخصوصی از طرف مجلس شورای ملی رسیدگی شود و نتیجه برای اتخاذ تصمیم بعرض مجلس بر سردهیشندادی هم در این زمینه تهیه شده است که اغلب آقایان هم امضاء فرموده‌اند و چون امروز برنامه مطرح است در جلسه آینده قبل از دستور تقدیم می‌نمایم و اما مخالفت بنده با برنامه دولت .

بر زانه و مواد آن همه بجای خود صحیح و خوب است لکن من معتقدم این دولت یاهر دولتی که می‌آید از نظر الامم فلاحهم تمام اصلاحات را در درجه دوم قرار داده و دوموضع را که نهایت اهمیت و فوریت دارد برنامه قطعی خود قرار دهد و آن دو موضوع اول امنیت و دوم وضع اقتصادی کشور و اغایه عالمه بایک ولع و پریشانی مسلح میشوند و حکومت و مأمورین انتظامی تماشاجی معر که هستند و شاید در تدارک اسلحه کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم مینمایند و قیمت هر قبضه تخفیف که بیست هزار ریال رسیله و اینچهاص و طلایف نهیه بیک قبه نهیه تخفیف را بر کلیه ضروریات زندگانی خود بدنهند و این اختلال دولت موجب شده که قماش از یکسال

علمی و عملی و اخلاقی آنها در اموری که به عهده داشته اند با متحان رسیده است اینجا بنده متأسفانه می بینم که آفای رئیس دولت هیچ نوع توجهی تابحال باین امر نفرموده اند حتی یکنفرض جوان هم که در این کابینه بود آنرا هم بعد از ترمیم ناوانی برداشته و اما راجع به خود کابینه بنده یک موضوعی را نفهمیدم و آن موضوع آقایان وزیران مشاور است وزیران مشاور یعنی عقل کابینه؟ نمیدانم بنده معتقدم که اگر بجای آقایان وزیران مشاور یک وزارت کاری تشکیل میشد بهتر بدرد این مملکت میخورد الان یک عده مردم در این مملکت مشغول هستند بکارهای متفقین و سایر کارها. راه آهن تنها هفتاد هزار نفر کارگر دارد وقتیکه متفقین ما بروند از این مملکت شاید یک دهم اینها هم مورد احتیاج نباشند یک وزارتخانه باید باشد که باین کارها رسیدگی بکند کار برای مردم تهیه بکند واما یک دلیل مخالفت بنده با دولت این است که با سابقه کاملی که بفعالیت آقایان وزیران این کابینه بنده دارم چه قبل از از آمدن امر یکائیها و چه بعد از آمدن آنها چون اغلب آقایان شکایت میکنند که دکتر میلیسپو نمیگذارد ما کار بکنیم متأسفانه فعالیت زیادی بنده ندیدم از اغلب آقایان و باین دلیل بانتظار فعالیت پیشتری در آتیه از دادن رأی خودداری میکنم.

رئیس - آقای هاشمی موافقید؟

هاشمی - در مقدمه عرایض مختصری دارم پس از آن نظریات خود را نسبت به برنامه دولت اظهار میدارم بنده با جناب آقای ساعد موافق و مساعدم و نسبت بدولت ایشان اگر منفرد بودم یک تصمیم دیگر میگرفتم برای اینکه در این دوره برای رأی اعتماد یک اهمیت فوق العاده و بسزائی در میشناسم زده است و میخواهد بذر کاری بکند مأمورین نظام وظیفه او را میبرند و کارش ازین میبرد ای کاش میبرند و دو سال تکه میداشتند و دو سال خدمتش را کرده بود و بر میکشت ولی میبرند یک مقداری پول ازش میگیرند وولش میکنند تا بر کردد آن کاری که داشته است موقعش میکنند. تمنی میکنم برای این هم یک فکری بکنید ماده ۷ برنامه استفاده کامل از جوانان تحصیل کرده که شایستگی

مذکور دند ولی بعداً که مسئولش مورد توجه قرار نمیگرفت یک وقت میدیدند سر یک مطلب کوچکی بنیاد حکومت و دولتی متزال میشدیافر و میریخت حتی نسبت باحتجاجات محلی و نسبت بحوالج مردم باز یک طریقه بنظر میرسد که در حضور آقایان در جلسه خصوصی صحبت میکنم و بعد پیشنهاد میکنم که معمول بدارید تا چنین گله‌هایی پیش آمد نکشد مقصودم این است بیشتر گرفتاری مردم روی این جزئیات است مخصوصاً اینکه مأمورین دولت در ولایات در شهرستانها در این دو سال و یکم نگذاشته و وضع سابق تغییر بکند (صحیح است) چرا؟ محسنات تمام رفته قبایح صد چندان شده اگر بیچاره شکایت میکند بالاخره با همان فرمول و طرز قدیم یک بازرس عالیربه بزرگی فرستاده میشود خدای من شاهد است که شاکی را مورد تعرض قرار میدهند (صحیح است) از اول قدمی که وارد میشود شروع میکند بد蔓سوزی مردم در آنجا که مأمورین هم بیچاره آن طرز تربیت سابقشان این بوده است اسان حکومت ملی بر این است که ملت خودش برخودش حکومت کند ولی کویا تاریخ بشیریاندارد یک حاکمی باین اندازه از مردم لخت و برهنه و گرسنه از این ملت چند میلیون نفری که والله گرسنه و برهنه اند باین صورت بروند و مالیات مطالبه کنند بروند به بینید چه شد تیجه آن مسافرت هائی که در زمان شاه سابق وزراء میکردند و هر روز بشرق و غرب ایران میرفند است دعایم میکنم حالاهم یک مسافرتی نفر مایند. (اقبال لاستیک ندارند آقا - خنده نمایند کان) با طیاره بروند از بالا بهتر می بینند اهانتها بتد کار آقایان نمایند کان باید توجه کنید که از تیجه همه این توجهات باید امور اصلاح بشود بلکه هر فردی که حرف حسابی میزند باید مورد توجه قرار گیرد مخصوصاً جراید البته جراید وقتی یک موضوعی را یاد آوری میکنند باید مورد توجه واقع شود آنها هم بدیهی است (اگر چه این میتوانند باید مورد توجه باشند) باید کاری کنند که بگوش دیگران عده نکویند که آنچه که جراید مینویسند درست نیست و پری باید مورد توجه واعتنا قرار گیرد، نه آقا باید

قالع کنند بنده در سابق نیز در مجلس بودم و متوجه جزئیات بودم بیشتر اختلافات از اینجا میشد که فلان و کیل مثلاً احتجاجاتی داشت و شاید بفلان وزیر تذکار میداد بقول خودم کاهی میشد با مداد سرشکسته هم آقایان وزرا باداشت

میکنند منظور این است که حوادث ازشش هفت سال پیش اتفاق میافتد که مردم ناراضی شدند از وقتی که مردم زندگانیشان تأمین نشده بود از وقتی که زارعین از دست رجشان استفاده کامل نمیبرند شروع شد به بعضی کارها ولی در مرکزیک طوری بود که هیچکس خبر نمیشد امروز کاملاً خبر نمیشوند. این قسمت لازم است یعنی امنیت عمومی از آن لازمتر تأمین قضائی کشور آن عدالتی که روی پادشاهان بزرگ سابق را سفید کرده بود و بعد از آنها تا امروزی بینیم سطور بر جسته در تاریخ برای ما بیاد کار گذارده همان داد و عمل آن سلطنت امروز در دست قوه قضائیه است همان عدلی که باید بکلبه محقره بروه زن و پیره زن ستمدیده مثل آفتاب بتماید امروز اجرای این عدالت بحسب قوه قضائیه است اما تشکیلات این قوه قضائیه یک چیزی است که بحث آن از موضوع من خارج است و لی نسبت بطول کشیدن محکمات خاصه محکمات جزائی ایراد دارم و عقیده دارم که باید توجه کافی شود که زودتر از این و سریعتر از این که هست انجام شود اما موضوع وسائل تأمین خواربار متأسفانه الآن که ما داریم اینجا با فراغ بال صحبت میکنیم در قسمت جنوب ایران در گرسیرات خرمنهای جو در وسط بیابان هاست و فوراً باید دولت در اول قدم دست به جمع آوری حاصل بزند و کاری هم نشده تلک گرفتاری هم بمناسبت دریا بارهای این قسمت که بعداً عرض میکنم خلاصه هر یک قسمت از این ماده که عملی شود عقیده بمنه بده به دولت زیاد نمیشود. صیغه تأمین حدائق مایحتاج زندگانی برای افراد کارگر و بروز گر از حیث غذا و لباس و مسکن و بهداشت و تعلیمات هر بوط بمشاغل هر یک از طبقات مذکور. بمنه کمان میکنم مضيقه حال این افراد را انحصارها فراهم کرده است بمنه در کاری که فتن نیست میل دخالت ندارم ولی محسوس است و می بینم در انحصار بعضی اجنباس داخلی بعقیده بمنه اکرسهم زیادتری به مولد آن داده شود امروز خیلی مؤثر است در زندگانی باین معنی مثلاً پنهان. حتی شاید عقیده خود بمنه الآن دزدهای مسلحی هستند که بعنوان این که در مرکز هیچ قوه نیست که جلوگیری کند بیشتر دست تعدادی در از چندین میلیون از سکنه قراء و دهان و بیابانها و مزارع را

آقای دکتر شفق هم با من در این قسمت هم قول و هم آوازند یک سوال این بود باز تکرار میکنم که آیا این تشکیلات بمنظور رسالت یا نیست؟ آیا باید تخفیفی در آن داده شود ترکیه برای آن قائل شویم یا نه؟ این را باید درست کرد یا نه چون در این دو سال می بینیم کابینه هایی که تشکیل شد این تشکیلات را محکم نگاهداشتند ظاهرآ هم وقتی در یک کمیسیونی مثل کمیسیون بودجه یک نماینده مخالفت میکرد و میگفت که بفالان اداره حاجت نیست هیچ اهمیت نمیدارد و باز آن اداره با همان بودجه و با همان تشکیلات سرجایش بود آقا با استدلال ثابت کنید که این لازم است یا نه ماه متقاعد میشویم که این تشکیلات لازم است برای مملکت. ما که با هم جنگ نداریم ولی عقیده خود را اظهار می کنم که این تشکیلات زیاد است بار از تحمل مسکین فزون شده است. مملکت مثل یک خانواده است یک خانواده ای را میخواهد برای تأمین امور معيشت آن خانواده اینجا فقط یک عده بخصوصی تقویت میشوند و سایر طبقات کشور روز بروز تضعیف میشوند. می آئیم بر سر بر نامه دولت ماده اول همین یک ماده که اینجا لوشه شده است عملی شود بسیاری از نواقص گذشته ممکن است اصلاح شود. در سیاست داخلی استقرار امنیت عمومی قولی است که جملگی برآند ولی این راهم عرض کنم راجع به امنیت این را اشتباه نکنید از چهار پنجمال با آخر زمان شاه گذشته مانده یک اندازه عدم امنیت شروع شده بود آفایان ولی کسی نمیفهمید دستگاه دولتی نمیگذاشت که شما مطلع شوید در جنوب گویا بین لارستان یا فلاجای دیگر یک کامیون از مأمورین دولتی دزدهاشقه میکردد و میگشند در شهر طهران هم قضایائی اتفاق میافتد ولی همچون بود که آفتابی بشود اما حالاً اوضاع خوب نیست ولی یک اندازه هم خیلی هم زیادتر از آنچه که هست گفته میشود دادو بیداد میشود راه چاره اش هم سر و صدای در مجلس شورای اسلامی و در جراید نیست بمنه میدانم در اطراف ایران آن دزدهای مسلحی هستند که بعنوان این که در مرکز هیچ قوه نیست که جلوگیری کند بیشتر دست تعدادی در از چندین میلیون از سکنه قراء و دهان و بیابانها و مزارع را

بین برده است در صورتی که بقای ایران بوجود زارعین و به وجود پیشه وران و طبقات مولده در شهرستانها بود در این چند ساله آخر تمام پیشه وران ولايات از بین رفته بمنه معتقدم که مملکت ما مطابق معمول دنیا و آنچه قاعدة امور اقتصادی دنیا است باید اداره بشود اما نه بطوریکه آن افرادی که وجود این مملکت و کشور را تشکیل داده اند و همیشه در این کشور بوده اند رفته بقدر ندریجی از بین بروند باید مملکت در امور اقتصادی مسلح شود به تسلیحات اقتصادی امروزه دنیا و درگین حال دولت خوب دلسوی آنست که برای آن افرادی هم که در قبال کارخانجات بی کارمیشوند ایجاد کار مناسب بکند کار مناسب با آنها بکند نه اینکه مثلاً امروز که می بینیم کله زارعین دست از کارمیکشند برای اینکه عایدات ثابت تکافو خارجشان را نمیکند کارشان بگدانی هیکشد و دولت هم هیچ توجه نمیکند اگر مملکت جمعیت نداشته باشد چه خواهد بود! واقعاً چهار تا کارخانه و چهار تا مدیر کل که منتج نتیجه نیست. این است که خواهش میکنم آقایان وزیران کاهی مسافت بفرمایند بولايات و شهرستانها بینینند که بیشتر پیشه وران و صنعت گران و کشاورزان که قوه مولده کشور را تشکیل میکنند از بین رفته اند یاد آمد آقای دکتر شرق چهار سال قبل در بنده منزل تشریف داشتند بدختی های ایران را شرح میدادم یکی از نماینده کان سابق هم بود و گفت که کشور از این رفته اند یاد آمد آقای دکتر شرق نعمت شده است حتی جناب آقا بود) ایران غرق نیز شده است در دوره اعلیحضرت شاه ساپک از این رفته تغییر و تبدیل لازم است و باید نگاهداری بشود آقا و آنای میداند که تحمل بار این تشکیلات از بنیه های این مردم زیاد تر نمیباشد برای اینکه تشکیلات یک ملت برای اداة از گردن امور داخلی و خارجی آنست هلت است اینکه خیلی زیاد شده بکماله چشم باز میکنیم می بینیم همه مردم میخواهند باوضاع بدینه های مردم این کشور آشناشوند از این مردم و مستخدم اینکه این در اینصورت آنکارا از پیش میروند اعجالاً دارد اینطور پیش هی آید که همه هی خواهند مسخدم دولت باشند آنای اینظور کار کشور درست درهی آید؟ این احصار از دولت هم اضافه و پیشنهاد وزاری و زارهین زا از

است کار بر تابه میخواهد تصور نمیکردیم در گذشته که بر نامه در کار نباشد بلکه خیال میکردیم یک بر نامه برای پیشرفت کار مملکت موجود است و یک روزی مارا یک سعادت حقیقی و ترقی حقیقی میساند و از امروز هر روزی که این بر نامه تعیین شد مخصوصاً با مرکز کشاورزی و همین اموری که دولت ذکر کرده است آنوقت کاملاً میتوان آنچه امیدوار بود و میتوانیم بگوئیم برای کارها بر نامه است که با آمدن ورقتن اشخاص تغییر نمیکنند اگر هم واقعاً لازم است مجلس شورای ملی رأی بدهد یاتقویتش بگند و تشییش بگند چه ضرر دارد که با آمدن فلاں وزیر یا رفاقت فلاں مدیر کل و فلاں معاون یا آمدن یکی دیگر نظریات شخصی در آن حکمفرما نشود و امور از محور خود منحرف نگردد این خیلی خیلی خوب است ششم تجدید نظر دروضع مأمورین دولت و تأمین زندگانی آبرومند آنها تا آخر بعقیده بنده ستون این بر نامه این ماده است برای اینکه تمام اموری که انجام میگیرد بتوسط مأمورین دولت است و تا مجری در واقع مقید نباشد که این قانونی که بست او اقتاده است باید آنرا اجرا کند و در قبال این اجرا تمام وسائل زندگانی او بطور رفاه آماده و تأمین است امور اصلاح نخواهد شد آن هم امور باید بداند که وضع او ثابت است هر روزی و رئیسی که آمدندیتواند اورا بردارد و او در کار خودش ثابت است فهی و هوش های نفسانی نمیتواند اورا تغییر بدهد و او مستقر است در کار خودش اگر چنین شد کارها درست میشود بقیه برنامه همیش خوب است و امیدوارم هر آنرا اش عملی شد بدولت تبریک بگوییم و چشم ماروشن بشود یکی از آقایان نمایندگان بمن نوشته اند که ازدهات و شهرستانها هم بفرهائید پس عرض میکنم معلوم است که آبادی مملکت از ذهنکده شروع میشود بعد میرسد بقیریه و بعد به قصبه بعد به شهرستانهای کوچک و شهرستانهای بزرگ تأهیس داده شد و کسی را پیدا کنند که فقط صالح باشد نباید کار ملت ایران بجهاتی کشیده باشد که نتواند زمامدارانی که هم صالح باشدند و هم فعال باشدند و هم

رؤیس - آقای دکتر کشاورز.

دکتر کشاورز - بنده با دولتی که جناب آقای ساعد به مجلس معرفی میکنند مخالفم و با بر نامه ای هم که به مجلس تقدیم میکنند با آن بر نامه هم مخالفم ولی قبل از این که وارد مذاکره در اطراف بر نامه بشوم میخواستم یک نکته مسلمی را توضیح بدهم و آن این است که وقتی در مملکتی اوضاع جاری تغییر میکند و در حقیقت رژیم آن مملکت عوض میشود قاعده این است که در آن مملکت مردانی که در آن رژیم جزو مدیران بودند بکنار بروند و اشخاصی که تازه نفس باشند و در آن رژیم بزرگ نشده باشند کارها را در دست بگیرند. من شخص آقای ساعد را نمیشناختم آنچه گفته شده است در اطراف ایشان این است که ایشان شخص صالح و پاکدامنی هستند بعقیده من پاکدامنی و درستکاری تنها برای اداره اموریک مملکت کافی نیست و بعقیده من برای یک ملتی بدینه است که وقتی مردم رئیس وزراء انتخاب میکنند ناچار باشند چرا غ بردارند و بگردند و کسی را پیدا کنند که فقط صالح باشد نباید کار ملت ایران بجهاتی کشیده باشد که نتواند زمامدارانی که هم صالح باشند و هم فعال باشند و هم

کرمان نشستند و اتحادیه صنفهای را تشکیل دادند و موجب فروانی جنس و ارزاق و ارزانی در بازار شدند حتی کار بیجایی رسید که یک لنگه گیوه که دختر دهانی میباشد زاندار مری از دست او میگرفت که قاچاق است خدای من شاهد است این کارهای ارشادیه و نظیر داردا گرمیل داشته باشید نظایر آن را بشما نشان میدهم توپهای کرباس مردم را در دوره گذشته بعنوان اینکه قاچاق است از کلیه محقر زارع کشیدند بیرون که البته آنروز دولت اگر توجه بیشتری داشت کار باینچه نمیکشید بهر حال کشاورز از پنجه در سابق تمام لوازم کارش را فراهم میکرد در زمستان هم افزاد عائله او می نشستند به پارچه بافی کرباس بافی مثل همه قرنها سالها کدرسمندان این بود زندگیشان را تأمین میکردند در این قسمت مخصوصاً توجه فوری بفرمائید در موضوع تجارت اگرچه بنده وارد نیستم ولی اطلاع دارم که تجار و بازار گانان اجناس شان بلانکلیف هانده است دولتی که می آید روی کار البته باید بشکایات این طبقه که طبقه مؤثری هستند در کشور خانمه بدهد. چهارم: تجدید نظر در قانون تقسیمات کشور و شهرداری ها پیغایده بنده این چندان کار لازمی نیست که مثلاً قریب یکسال هم فنشینیم و بینیند که فلاں ده راملحق کنیم به فلاں استان یا فلاں قصبه و بخشداری را به فلاں فرمانداری تبدیل کنیم کار از این لازمتر هم داریم ولی اینکه در آخر این ماده هست که اهالی در امور محلی خود نیز شرکت داشته باشند این مهم است این را در اول غاده بیننداری در عمل و آن قسمت اول را در مؤخره ماده قرار بدهید عرض کردم اهالی محل اگر بیشتر نظر بانشان نسبت بر فاصل جامعه ای که در آنجا زیست میکنند مدخلیت داشته باشدو دولت کمک آنها را در کارها دخالت بدهد البته برای تأمین حال مردم و رفاه مردم بهتر است و هیچ تردیدی نیست که هر شهرستانی را که در قحطسالی دخالت دادید و واگذار کردید به اهالی محل بینیند چه کرده اید؟ بنده حالا نمیخواهم مثال بزنم ولی موضوعی ایش که البته باید تشكیل کنیم در آن قحطسالی پیر ارسال که تقدیم آن به مجلس شورای ملی است البته بسیار صحیح مبتلا شدیم و نمیدانستیم چه کار کنیم همان باقی مانده اصناف

کاردان باشند و هم تحصیل کرده باشند پسدا کند بعقیده من در ایران امروز این نوع زمامدار هست و فراوات است ولی بدینخانه قاعده این شده که باید زمامداران مملکت از اشخاص سابقه دار باشند و من از این سردرنیاوردم برای اینکه من تا امروز در ایران زمامداران فراوانی را ندیده ام که در یک مدرسه بخصوصی علم زمامداری آموخته باشند و حتی زمامدارانی را ندیدم که اقل تحصیلات عالیه آنها باعث این شده باشد که ملت ایران یا مجلس شورای ملی آنها را بزمادرانی انتخاب کرده باشند. علت دیگر مخالفت بنده با کاینه آقای ساعد این است که متأسفانه در انتخاب آقایان وزراء تردید به خرج داده اند آقای ساعد در کاینه اولشان یک عده وزیر ای را معرفی کردن من طرفدار آن وزیران نیستم ولی در کاینه دومشان آن وزیران را یک عده شان را تغییر دادند در تحت تأثیر چه عواملی بوده من نمیدانم ولی من قبول نمیکنم که زمامدار مملکت هستند و کسانی که نماینده مجلس شورای ملی هستند جز منافع ملت ایران چیز دیگری را در نظر بگیرند و حتی در تشکیل کاینه خودشان آقای ساعد یکی از پست های وزارت را شاغلش را عوض کردن و آن پست وزارت بهداری بود و در یکی از مواد برنامه دولت آقای ساعد میخواهم که ایشان میل دارند نقشه هائی که با آمدن و رفتن دولتها تغییر نکند تقدیم مجلس شورای ملی بکنند وزیری که ایشان از کاینه سابق در کاینه خودشان نکاهد اشتند برای وزارت بهداری آقای دکتر غنی بود و من خودم دیدم که آقای دکتر غنی مشغول مطالعه گزارش های بود که مستشاران خارجی بهداری در سالات اخیر تقدیم وزارت بهداری کرده بودند و گفتند که من این مطالعه را میکنم که از این میان از عقیده این چند مستشار خارجی که واقعاً هم زحماتی در ایران کشیده اند و بتمام نقاط ایران برای بدبست آوردن اطلاعات مسافت گرده اند (صحبت از مستشاران وزارت بهداری آنها یک مجموعه) از افکار آنها یک مجموعه

اشخاص چهاردهم ۱۵ ساله هم آنرا نمیتوانند بهمند و قطعاً روحی که در این کتب اصلا وجود ندارد و آن روح حفظ آزادی مشروطیت و دموکراسی است بر عکس در کتابهای مدارس مامثل دوره بیست ساله هنوز مطالبی است که میخواهد ایرانی را بنده بار بیاورد مطیع بار بیاورد میخواهد کاری بکند که در هیچ امری تنقید نکند و چون اعتقد اد همه براین است که شالوده شخصیت هر فردی درخانواده و بعداً در مدرسه ابتدائی ریخته میشود بنده خواستم تذکر ای بدهم در برنامه مدارس ابتدائی دولت میباشد دقت کامل بکند و تجدید نظر بکند و حتی این مطلب بقدری مهم است که بایستی در برنامه خودش این را بگنجاند اما راجع بارتش صحبت راجع بارتش ایران چه در جراید و چه در محافل چه در مجامع و احزاب زیاد میشود بنده انتظار داشتم آقای ساعد عقیده صریحی راجع بارتش ایران در برنامه خودشان بگنجانند نظر من راجع بارتش ایران این است که ملت ایران و هر ملتی حتی در مواقعی که از جنگ بر کنار است با اوضاع امروزی دنیا احتیاج به ارتش قوی نیزمند و ملی دارد اما ارتشی که ما داشتیم و ارتشی که ما الان داریم که بقایای ارتش قدیم هستند این دو صفت را فاقدند هنوز در ارتش ما افسران جوان تحصیل کرده صاحب منصبان فدا کاری که برای زندگانی روزانه خود معطله اند زیر دست یک عدد افسران پیری هستند و آنها از کسانی هستند که باید حساب بیست ساله آنها را بکشند (صحیح است) راجع به این موضوع هم ذکری من در برنامه آقای ساعد ندیدم اما راجع بآن قسمتی که بیشتر به خود من مربوط است یعنی بهداری که بمناسبت فنم باید بیشتر صحبت کنم در آن کمتر صحبت میکنم در آن موضوع هیچ کاری اشده است تا بحال در ایران اراضی بطرز غریبی مشغول از بین بردن این ملت است تراخی مالاریا سل مرتبه اشخاص را یسا کور میکند یا میکشد و همین الان که من در خدمت آقایان صحبت میکنم یک رایی دمی حسبه در طهران وجود دارد که مخصوصاً ناما قسمت شرق طهران را فرا گرفته است هیچ

کوچه نیست که دو آن یا که مرض خصبة وجود نداشته باشد راجع به بهداری ما انتظار داشتیم که آن نقشه معمود را یکخوازده زودهن بدهند با اقلام طرز اجرای مقصود شان را برای بهداری در برنامه خودشان هیکنجهاندندو بالآخره مطلب مهمتر از همه که در برنامه ایشان خیلی با اختصار گفته شده است موضوع کارگران وزارعن این است ملت ایران آقای ساعد قهی است، نو و نه دو صد از ملت ایران کارگر صنعتی یا کارگر فلاحتی و زارع تشکیل میدهد شما هیبایستی برای این کارگران برنامه تان خیلی مفصل تر از این صحبت کند خیلی به سادگی و سرهم بندی رد شده است ماده که شما راجع بکارگران نوشید من میخواهم تأمین حداقل مایحتاج زندگانی برای افراد کارگر و بزرگ از حیث غذا و لباس و هسکن و بهداشت و تعلیمات مربوط بمشاغل هر یک از طبقات مذکور این را که بند خواندم آن یاد یک برنامه افتاد که در دوره دیکتاتوری در روزهای دیدم در آن جا همه این قضایا نوشته شده بود آنجا هم همیشه میخواستند فیکر کارگر و زارع باشند حتی در دوره دهوکراسی نوزاد دوسله ماه هر دولتی که آمد برنامه های مفصل تر از اینهم آورده ولی متأسفانه هیچ کاری نکرد بند معتقدم که بایستی در برنامه شما قید شده بود که در پجه مدت شما قانون بیمه اجتماعی را که یکی دیگر از قوانین خوبی بود که مجلس سیزدهم تصویب کرده است اجرا خواهید کرد و چه جور آئین نامه های مربوط باین قانون را خواهید نوشتم من انتظار داشتم در بر قاعده شما به بینم راجع به بیمه کارگران چه کار میکنید الا آن در مملکت ما یک کارگر که وجودش هزارها تومن از نظر اقتصاد مملکت قیمت دارد بقدر یک پیچ و همراه کارخانه اهیت ندارد وقتی که کارگر از کار افتاد و دستش رفت زیر مالشین پنهانه تومن است باو میدهند و اردامکش میزند و از کارخانه پرون شن میکنند و هیچ فکر این را امیکنند که این کارگر بیمهاره با زن و بچه های خوش پنهان از این چونه کار میکند. ما انتظار داشتیم که آقای سلیمان درباره کارگران در برنامه شان صویغه از این صحبت

که مورد ضرورت ملت ایران است و از ضروریات اولیه آنها است بایستی دست دولت باشد (اردلان - صحیح نیست) کسیانی که مخالف این اصل هستند این طور دلیل میآورند که بدست گرفتن کالا های انحصاری باعث این شده است که فرخ اجناس بالا برود اگر دولت نمی تواند کالا های انحصاری مورد ضرورت ملت را اداره کند این عیب از انحصار نیست این عیب از دولت است که دولت نمی تواند کالا های انحصاری را درست توزیع کند و جلوی رشوه خواریها را بگیرد (اردلان - خیر از انحصار است) بنده ناچارم یک نکته را به آقایان تذکر بدهم و آن این است که در هیچ کجا دنیا مرسوم نیست که وقتی یک فردی یا یک اقلیتی یک عقیده را اظهار می کند به او پرند وداد و بیداد کنند آقایان اگر حرف خسایی دارند تشریف می آورند اینجا پشت تربیون مجلس و عقیده شان را اظهار می کنند بعضی اوقات دیده شده است که حرف های حسابی و یا عقیده صحیحی از طرف یک فرد یا یک اقلیتی اظهار شده و سال های بعد معلوم شده است که حق با آن فرد پا آن اقلیت بوده است چنانکه آقای دکتر مصدق و مرحوم مدرس در موقع روی کار آمدند رضا شاه بیاناتی فرمودند و چندی در سال بعد ملک ایران فهمید حق بجای آنها بوده است بنا بر این اصل اگر اینجا عقیده اظهار می شود آقایانی که مخالف هستند بعد تشریف می آورند اینجا و دلائل خودشان را می فرمایند. بنده راجع به مسؤولان خارجی زیاد نمی خواهم صحبت بکنم البته با این اصل که برای اداره دارائی ما خوب بود یک مستشار خارجی استخدام شود که در امور مالی با او مشاوره بشود کسی مخالفت ندارد اما دانمار کی و هلندی و سویسی و ارمدنی غیر ایرانی وغیره را به نام مسؤولان دولت و ملت ایران معرفی کردن و عدم آنها را ازحد و حساب بیرون بردن این کار صحیح نیست. و بعقیده بنده این آقایان دولت هموکرلت است دولتی که در موقع هموکراسی

روی کار می‌آید این نکته مهم را کاملاً مورد توجه قرارداده و اسم آزادی را در برنامه خود بگذارد ما الان در دنیا نیز زندگانی می‌گذاریم که مردم آن دو قسمت شده‌اند یک قسمت برای آزادی خون بهترین فرزندانشان را دارند فدامیکنند و ما هم برای حفظ و دفاع از آن آزادی جزو دول متفق قرار گرفتیم در این صورت باید جزو برنامه دولی که به مجلس شورای ملی معرفی می‌شود از این آزادی هم اسمی برده شود. آزادی فردی که ایرانی‌الآن فاقد آن است. آزادی اجتماعات که ایرانی‌الآن فاقد است آزادی جرائد که ایرانی‌الآن فاقد است.... اجازه بدید یک توضیحی هم بدهم الان یک مدیر روزنامه را وقتی که با او ارادی می‌گنند روزنامه اوراق ویف می‌گذارند در حکومت نظامی در دادگاه آجرا ویش آن چاقو کش و آن دزد مینشانندش و اینراهم مثل او محکمه می‌گذارند در صورتیکه همه میدانیم و همه می‌گوئیم در مشروطیت رکن چهارم مطبوعات است و مطبوعات رکن چهارم مشروطیت است در صورتی که مطبوعات در بین یک ملتی مثل ملت ما که چشم و گوش را بیست سال تمام بستند و نگذاشتند که هیچ چیزی بهم دشند حائز مقام مهمی هستند و این مطلب باستی در برنامه شما گذاشته شود که آزادی فردی، آزادی اجتماعی، آزادی مطبوعات را دول من که آقای ساعد باشیم و آن معتقدم بمردم خواهم داد ولی من در این برنامه در این موضوع چیزی نمی‌گذارم بعضی ها وقتی که من این قضیه را با آنها صحبت کردم بینند می‌گفتند که مرحوم دکتر ارانی وقتی که دفاع از خودش می‌گزند در مقابل جنایتکاران شهریاری او در صفحه متهیین قرار گرفته بود و از خودش دفاع می‌گزد هیکفت مگر زنجیر چیست که افراد شهریاری مثل جن از بسم الله می‌ترسند بعضی ها که شاید مخالفتشان باشند یک قدری بیشتر از من بود می‌گفتند که از لفظ آزادی هم این هیئت دولت می‌ترسد کفتم اینطوریست و بعقیده من فراموش شده و این را من تذکار میدهم که باید این مطلب و موضوع مهم یعنی این آزادی ها را صراحة در برنامه دولت بنویسید و قبول کنید که سعی خواهید کرد

هستیم و اگر هم انجام نداد و نتوانست انجام بدهد آنوقت بندۀ و آقای دکتر کشاورز و دیگری دیگری ممکن است با او مخالف بشویم و یک روز هم پشت همین تریبون بیائیم و سوال کنیم یا نطق قبل از دستور یا استیضاح کنیم و بر علیه او صحبت کنیم (دکتر کشاورز - فروکنار نخواهد شد) یک قدری صبر کنید. ممکن است بمروز پیش برویم البته در این موقع باید همان اصلی را که عرض کردم رعایت کرد تا به بینیم چه می‌گذرد یکی هم این‌که با اعتماد بسرحد کمالی که بیاکی و وطن پرستی شخص آقای ساعد دارم و بایشان نهایت اطمینان و اعتماد را دارم (صحیح است) امیدوار هستم و امیدوار هستم که من اشتباه کرده باشم در یک قسمتهای چون ایشان فعلاً مسئولیت سنگین و عظیمی از انجام امور مملکت را بدوش گرفته‌اند. مسئله دیگر هم این است که انتظامات جمعیتی بمن حکم می‌گذرد که موافق باشم و ورقه سفید بدهم والبته موافقت می‌گذرم اما در عین حال این موافقت من یک طرز مخصوصی هم هست و آن این است که یک سلسله تذکرانی دارم و آن این است که اگر این آرزوهای من مورد توجه دولت واقع نشود و دولت از عهده انجامش برویاید خیلی صریح و روشن عرض می‌گذرم بندۀ از مخالفین خواهم بود و خیلی شاید زودتر از دیگران در این باب عرض اندام خواهم کرد. عرض کنم که باز قبل از این‌که وارد بیان مطلب بشویم پریروز استاد معظم ما آقای دکتر شفق که بی‌غرضی و پاکی و همه چیز ایشان بر همه‌ما مسلم است نمیدانم چطور در ضمن مطالب و بیاناتشان عبارتی فرموداد که من از ایشان اجازه می‌خواهم که آن مکنون نه دلشان را که خیال می‌گذرم با ته دل بندۀ یکی است بعرض مجلس برسانم ایشان فرمودند که قرارداد اتفاق بین ما و متفقین را مثل این‌که ملت ایران از روی کمال رضا امضا نکرده است. خیر ملت ایران در این موضوع با فهم و با تشخیص و با تشخیص باین‌که مصلحت خودش و مصلحت آزادی دیگارا در این دیده است امضاء کرده است (صحیح است) و هر کس هم که شرکت داشته است در اینکار در کمال آزادی عقیده

بوده است (صحیح است) و باید هم از روی انصاف و مردم اذعان کرد این کاری را که مجلس سیزدهم کرده است اتفاق خارجی است که برای او ذخیره گردیده (صحیح است) عامری - ایشان همچو اظهاری نکردن

وضع عجیبی بخود خواهد گرفت که شاید وصف و ذکر شن هم خیلی مشکل باشد و چون این وضعیت برای ما پیش میآید ما باید از حالا یک نقشه ای داشته باشیم که اگر شش ماه دیگر پنجماه دیگر پنجروز دیگر البته این را هم نمیتوان پیش بینی کرد که جنک چه وقت تمام میشود ممکن است همین امشب که خوابیده ام فرداصبح که بیدار شدیم بگویند جنک تمام شد و بطور قطع نمی توان این را پیش بینی کرد ولی ما از حالا باید مجهر باشیم که با این بیکارها چه خواهیم کرد و بچه کاری خواهیم گماشت وزندگان ایشان چه خواهد شد و در امور اجتماعی وجودشان چه حاصلی خواهد داشت این مسئله قابل دقت است و باید همان وزارت کاریکه آقای دکتر اعتبار و آقای دکتر کشاورز هردو فرمودند اگر ما بشکیلش موفق شویم و دولت اقدام بکند خیلی مفید است و شاید مهترین وظیفه آن وزارت خانه هم همین موضوع باشد. جزء چیزهایی که در درجه اول باداشتهای من قرار گرفته یکی همان موضوعی است که آقای دکتر کشاورز در آخر نطقشان گفته و من در صدر نطقم ضمن موافقت با دولت آنرا قرار داده ام و آن موضوع آزادی است و این مطلب و منتظر بودیم که حضرت اشرف چه میفرمایند و حضرت اجل چه دستور فرموده اند آقای رئیس شهربانی توی کوچه در گوش فلاںکس چه فرموده بودند آقا این حق میباشد که ما باید همان رفته بود ما باید ملت ایران را تربیت کنیم برای حکومت ملی.

اما راجع بامنیت عمومی بنتظر من در لزومش هیچ بخشی نیست و همه نمایندگان در این موضوع هم موافقند (صحیح است) چون قطعی است بدون امنیت زندگی هیسر نیست و بنتظر بمنه هم روشن است. در سایه حوادث و وقایعی که در اختیار من و نه آقای ساعد و نه آقای دکتر کشاورز و نه دیگری بوده است امروز عده زیادی مسلح یاغی که قانون را نمی شناسد مسلحی که اطاعت نمی کند در مملکت وجود دارد و البته این نامنی ها حتی از راههای طرق و شوارع و ایلات و دهات به شهرها ایز سرایت کرده است و اینها تمام از موضوعات مهم است و هیچکدام در بندهای دولت مسئله خیلی اهمیت بدهد مسئله احتیاجات شهرستانها است

آقای ساعد نیست که در باب امنیت و این اصل مهم اجتماعی چه فکری کرده اند که امنیت را بوجود بیاورند یعنی راجع به ارشن هیچ حرف نزد آقای زند وزیر جنک که بکی از دوستان نزدیک بمنه و خیلی هم باشان ارادت دارم و احترام میکذارم برای بمنه هم مقطوع است که مرد درستی است، بلاشکی است و ایشان را از دیروز و امروز نمی شناسم و حتی در آن موقع خیلی باریک هم که اشخاص جرئت نمیکردند حرف ایشان را بهم بزنند بمنه و ایشان شاید خیلی حرفاها میانرا هم بهم دیگر میزدیم (خنده نمایندگان) عرض کردم من ایشان را خیلی خوب می شناسم و میدانم که مرد خیرخواهی هستند و قطعاً هم آدم درستی هستند اما از ایشان سوال میکنم در عین حال ارادت و بندگی خدمتشان می پرسم راجع به ارشن چه کار کردید آیا فکر میکنید با این روش با این وضعیت با این شکل با این صورت که ما داریم و سالی صد و نیمیاه میلیون از این ملت بد بخت و فقیر باشند شکل گرفته می شود و باینها داده می شود آیا میتوانید امنیت این مملکت را تأمین کنید یا خیر و این بعقیده من که بکی از موافقین دولت هستم یکی از موضوعات مهم است و دولت را دعوت میکنم که این موضوع را جداً مورد توجه قراردهند و ما باید بدانیم که آقای وزیر جنک چه نقشة برای اصلاح قشور فکر کرده اند که قشور مقشوون ملی قشور نو کر ملت قشونیکه مطیع رأی مقامات صلاحیتدار قانونی و ملی باشد کی بما تحویل میدهند و این قشور کی بفعالیت شروع خواهد کرد آقای وزیر جنک ممکن است بما توضیح بدهند که واقعه سیم چطور شد و چرا پیش آمد و دولت چه فکری برای این کار کرد که آن جوانان عزیز ما که بنظام وظیفه فرستادیم رفند آنها و کشته شدند چرا بکشتن رفند و چطور شد؟ من منتظر و متوجه که دولت این مسائل را مورد توجه قرار دهد اگر ما قشور ما را درست نکنیم هیچ کاری را نمیتوانیم انجام بدهیم بعقیده بمنه، موضوع دیگری که بنتظر بمنه خیلی اهمیت دارد و دولت باید باین مسئله خیلی اهمیت بدهد مسئله احتیاجات شهرستانها است

آقای ساعد باید بدانند شهروستانهای ما مثل این که از مملکت ما جدا شده‌اند و از تمام زحمات و صدمائی که باید بنام یک سیتواین در این مملکت برآنها تحمیل می‌شود متهم می‌شوند ولی از کوچکترین نعمت بهر چند نمی‌شود همه آقایان هستند میدانند که چقدر ما تلکرافات داشتیم آقای امینی و چند نفر از آقایان را فرد فرد ازشان خواهش کردیم و این نمایندگان محترم هم رفته‌اند که به یعنی دولت برای این دهاتی بد بخت چه کرده؟ یک قدری قند بددهد یک قدری شکر بددهد یک متر دو متر پارچه بددهد آقایان خدا میدانند آن دهاتی بد بخت ندارد که بروندنجه تو مان بددهد و یک من قند بخرد و بخورد این برای دهاتی میسر نیست و محل است آقای روحی به من میفرمودند که حساب کردم دراستان هشتم که بند هم افتخار نمایندگی آنچه را دارم با این که زبان کرمانی هم حرف نمیزند (خنده نمایندگان) در آن استان درست ده هزار نفر از مستخدمین دولت هستند اینها همه سربار مردم آنجاهاستند آقایانها بتجار و بمردم تعدی میکنند و میخواهند بروند آنجا که جیب‌شان را پر کنند نمیدانم آقای مرآت اسفندیاری که حاضرند بخطاطر دارند وقتی بند و ایشان در کرمان بودیم یک صاحب‌منصب قشون وبا تعیین آقای وزیر جنگ که مأمور انتقامات یک حوزه کوچک سیرجان که آقای رادن هم خوب آنجارا میشناسند میآمد بتهران اثنایه اش را که بتهران میفرستاد شش‌هزار تو مان نمیدانم یا شافعیه هزار تو مان بیمه کرده بود حالا نمیدانم چه بود خوب نظرم نیست بالاخره این کارها ضرر دارد چرا در کار اختصاصی شهروستانها چقدر اثنایه داشته که این قدر بیمه کرده من همانجا در کرمان باستاندار گفتم این را توقیف کنید حبسش کنید مسئولیتش با من برئیس قشون گفتم ولی کسی کوش نداد او هم راهش را کشید و آمد تهران.

چند نفر از نمایندگان – اسمش را بفرمایید کاظمی - خدا میداند اسمش یادم نیست از جادم رفته است باید این حق را هم شهروستانها داشته باشد که دزامور خودشان و الا این قدر شجاعت و صراحت دارم که بگویم.

مسئله دیگری که از نظر مشروطیت و حفظ اصول اساسی در منتها درجه اهمیت است و شاید بجهات زیادی قسمت اعظم آن بر عهده آقای مقانی وزیر دادگستری است موضوع مراجعته بقواین است (صحيح است) آقا در این مملکت در مدت بیست سال عده زیای قوانین وضع شده است که اصلًا قبل اجرای نیست و ضد و نقیض است شما هر مرد با هوش و آگاه به قوانین را واقعاً پیدا کنید و وقتی بک موضع قانونی را بخواهید طرح بکنید واقعاً نمیداند که چه بکنند و نمیداند که آیا این موضوع در ضمن فلان ماده نسخ شده یا تغییر یافته یا باقی مانده اینها را باید مطالعه کنید و غریب کنید و بیاورید نسخ کنید و زیادیش را دور بریزید والا این برخلاف اصول است هرچه زودتر باید تصفیه اش بگنید و مردمرا از شر آن خلاص کنید و قوانین را کویدیه کنید تا مردم خلاص شوند حالا می‌ایم سره موضوع اصلی و بیش از این در این خصوص‌ها حرف نمیزخم خلاصه موضوع خیلی مهمی که میخواهم درش حرف بزنم موضوعی است که مستقیماً باقای فروهر و آقای اردن و آقای بیان که از دوستان محترم بند هستند ارتباط دارد و آن موضوع مستشاران امریکائی و امور مالی است اینجا که همه آقایان حرف زدند در این موضوع چیزهایی گفتند اما حقاً من باید بیشتر بگویم برای اینکه سر کچل مخلص نتیجه خدمت در وزارت دارائی است و تمام عمر را در امور مالی صرف کرده‌ام جز بک مدت کوتاهی که یک مأموریت‌های دیگری در وزارت‌خانه‌های دیگر داشته‌ام والا کاربر من در وزارت دارائی است و تمام عمر خودم را در آنجا گذرانده‌ام و اخیراً بازده سال تمام دردادستانی دیوان محاسبات مشغول خدمت بوده‌ام یعنی در یک مقامی بوده‌ام که تمام کارهای مالی مملکت جلوی چشم من سان میداد بنابراین در همه کارها وارد بودم و عرايضی که میکنم از روی بصیرت است و باید استدعا کنم که مورد توجه قرار دهنده قبل از اینکه وارد قضیه بشوم باید عرض کنم ملت ایران همیشه خدمات شوستر را که یک نفر مستشار امریکائی بوده است فراموش نمیکند مستر شوستر قبل از دادگستر میلسو

استخدا ملبد و نسبت بحفظ آزادی ایران حقدار آقایان شکه در این مجلس بعثت و بوضعیات آنها اجازه میدهد در اول مشروطیت ایران انها را اطلاع کنند میدانند که وقتی محمد علی میرزا از دو طرف به مملکت بمرکز هجوم کرده بود یکی از کمک‌های بزرگ آزادی خواهان مستر شوستر بود و خدمات او بود که می‌پول در دسترس آزادی خواهان گذارد و در اختیار میلیون گذشت. که موجب موقیت ما شاید این حقوقیه عالی کشیده است: مجلس شورای ملی است شاید در وجود آوردن او بهم بوده است بهمین مناسبت هم هست و قیم که آن اولیتماتوم شو از طرف دولت ترازی روسیه بعلت ایران شده ملت ایران آن احساسات را نسبت به شوستر ابراز داشت و باز برای ما جای تردید نیست که دکتر میلسپو در مأموریت اولش بما خدماتی کرد و امور مالی مارا اصلاح کرد و من هم آن وقت افتخار این را داشتم که بکی از آسیستانهای ایشان بودم و با مستر میکاسکی کار میکرد و از نظر آشنازی که از زده بکی دارم بهم آقایان اطمینان میدهم که شخص آقای دکتر میلسپو درستی است و حتماً هم حسن نیت دارد و خیر خواه ایران است ولی متأسفم که در این سفر بقدرت اشتباهات بزرگ نکرد. اشتباخت که اینهارا کشمان کنم و ملت ایران تاب و توان این اشتباهات را ندارد ملت ایران وقتی دکتر میلسپو را استخدام کردا نظار داشت که جداً او مالیه‌هارا اصلاح کند امور ادراکی ها را منظم نمایند تأمیسات مالی مارا منظم کند از هیچ که میکنی هم تعقیده من بنشیبد بعقبه خود دکتر میلسپو ملت ایران هنایمه ایک دکتر و مجلس سیزدهم بزرگترین حقیقی که منع جنین ای مجلس شورای ملی مر بوط است حق اقامه لکز ازی را داد بدکن میلسپو که للبته شاید در تاریخ قانو اکز ازی این را بین هم بجهای خود مورد اعتراض نشود ولی للبته این اختیارات را داده بکن کتو و تمام وسائل را بهم در اختیار ایشان گذشتند که لین خدمت هارا بالجام بدهند این موضوع خیلی صلیف و سلاده است های سعیمن جنکن که ما بکی امور مالی و

واقعاً آن مرد فوق العاده حکم حیف بود رفت. ایشان رفته آنجا و بکی کمیته درست کردند برای جمع آوری غله این را هم عضو کردند بعد نمیدانم پچه کیفیت و چه طرز آمدند و پیشکار کل مالیه خوزستان شدند آقای ارلان، شما خوب نمیدانید که پیشکاری مالیه کار کوچکی نیست آقا؛ تا چند سال پیش افتخارتان این بود که پیشکار مالیه بودید بندۀ تا چند سال پیش همین افتخار را داشتم این کار کوچکی نیست کارسهوی نیست پیشکاری مالیه بعد از استاندار مهترین مقامی است که در ایالات و ولایات و چوام دارد و باز نمکانی صدم تماس دارد این جوان بیست و چهار ساله این سللوجون الان پیشکار مالیه خوزستان است آنوقت دو معاون هم دارد مثل دو دسته کل بکی ۲۱ ساله و بکی ۲۳ ساله. که هر دو را ایشان لطف کرده‌اند. بمقدم (خنده نمایند کان) وزیر پیشه و هنر - جوانها را آورده است روی کار ... (خنده نمایند کان) حالا این دو تارا از کجا آورده است یکی عضو بازار است و قبل از این کار تجارت میکرد. بکی هم بکی عرب آوانوریه است و با وجود این وزیری دست. چپ و راست آقای سلیمان پیشکار مالیه خوزستان است. نمیدانم آقای وزیر مالیه این را نمیداند که چقدر تالیفات وصول شده و مبلغ آن چقدر است و وضع آنها چطور است. است؟ چون باز پیشترها که دکتر میلسپو را پرتوانی را نمیداد (حالا از بس مطلب زیاد است که نمیگذرد بهم مطالب برسیم)، میلسپو پیشتر حکم کیست؟ این نسبت بیکی میلیون جمعیت آنجا اختیار ای دارد این اقتدار است حالا فرض میفرماید این پیشکار مالیه کیست؟ این نسبت بیکی از بکی اینهارا آوردن در رأس بزرگترین مسئله اقتصادی وفالی ما گذارند که تصمیمات آنان مستقیماً در زندگانی ما بیچار کان مؤثر است و در هر تصمیمی بالاترین بدبهختی را ممکن است برای ما فراهم کند و مارا در اختیار این قبیل مأمورین قرارداده اند (صحیح است) در سر هز کاری اراده او کمتر و صلاحیت اداره کردن بکی دکان راهم ندارد (صحیح است) و این هارا آوردن در رأس بزرگترین مسئله اقتصادی وفالی ما گذارند که تصمیمات آنان مستقیماً در زندگانی ما بیچار کان مؤثر است و در هر تصمیمی بالاترین بدبهختی را ممکن است برای ما فراهم کند و مارا در اختیار این قبیل مأمورین قرارداده اند (صحیح است) در سر هز کاری اراده او حکم او متحدد المآل او در حکم قانون است برای ما و تیجه اش هم همین است که می‌بینید و نمیدانم این را قبل از عرض کنم یا بعد وارد بشویم یکی از مسائل مهمی که مادر قانون استخدامی دکتر میلسپو قید کرده ایم و تصریح کرده ایم که هر مستشار امریکانی باید بکی معاون ایرانی هم دارا باشد این برای چه بود، برای این بود که این ایرانی تریت بشود آماده بشود برای خدمت بکشور

فلسطینی ذخیر برای ایشانه اورا تریت کنند

بود که بنده رویم سیاه کار زغال را هم میکنم ایشان رئیس سوخت بودند و بنده با ادارات ایشان سر و کار پیدا کردم بدروجۀ در اداره شان لیاقت دارد که چه عرض کنم حالایک جریاناتی واقعاً در رفت و آمد و اطافها و در دوایر و ادارات ایشان وزندگانی اداری اعضاء ایشان دیده ام که بطور کلی از کفتن آنها خودداری میکنم.

امیر تیمور — ممکن است خصوصی باقای وزیر دارائی بفرمائید.

یکی از نمایندگان — اگر کوش شناور داشته باشدند

کاظمی — نه اخلاقاً مناسب نمیدانم. بلی اگر کوش

شناور باشد عرض میکنم که این جناب در این اداره سوخت چه کرده و در نتیجه حسن کفایت چقدر در انبارش هیزم و زغال کسر دارد این رقمی که عرض میکنم میتواند بریک ممتد رسمی است ضمن یک نامه رسمی که این قدر کسر است و برو رسید کی کن نوشته شده است در حدود یک میلیون و پانصد هزار کیلو زغال چوب که پنجهزار خوار وار میشود در حدود سه میلیون کیلو که هزار خوار میشود

هیزم (اولی زغال - دومی هیزم) این کسر عمل است ایشان این کسری انبارشان و نتیجه عملشان است حالا چه انتباها

کردند آقایان این زغال سنگ گران که ادارات و مردم متفرقه ما مصرف کرده اند چون من خودم از مولادین زغال هستم در نتیجه خطیغ عجیب این آقایان زغالی که ممکن بود خیلی ارزان در دسترس مردم بگذارند دیدید که با

چه قیمت گزافی بمردم رسید و اساساً با همه لیاقت شان چه ضردهای زندگانی داشتند که میشده کار برای آدم درست می

کنند این هم عیب ماست برای ایشان هم بعد از اینهمه کار

ها آمدند یک اداره عرض و طویل تشکیل دادند یک اداره

خصوصی بنام اداره حل و نقل درست کردند خوب حالا سر این کار

ایشان چه میکنند اگر ادارات دولتی مالاحتیاجاتی داشته باشند

و بخواهند باری بفرستند باید در خواست شان بروندند او و او

مرا جمعه بگند و بینند که کدام من جمع است و معلوم میشود

این اداره کل باربری شعور هم ندارد و باید یک شعور هم

باور نمیکنند که در بعضی از ادارات آمنیکائی برای بعضی ماشینیست هائیکه مثل بنده نیستند ماهی ششصد هفتاد تومن غوق العاده اضافه کار می بودند (هائی - سو وطن نداشته باشید) بلی . نمیدانم برای چه ششصد حق صد تومن فوق العاده اضافه کار خیلی باز حقوقی یکتا نماینده مجلس بیشتر است و این غیراز حقوق نایتبشان است و نمیدانم آقا اطلاع دارند که در فاصله یک روز بیک زن ماشین فویس یکتا اداره را که البته مناسب نیست اسعش را ببرم حقوقن را لزمه تومن بچهارصدو پنجاه تومن ترقی دادند چرا ؟

آقا علی — حسن خدمت بخرج داده است (خنده نمایندگان)

کاظمی — بلی . عرض کنم مسئله مهمتر از همه مسئله باربری است نمیدانم آقایان مینداشند یا خیر باز من چون شخصاً در این باب مداخله داشتم و چون بار داشتم و بار میگذردم عرض میکنم که واقعاً همیوها استفاده کرده اند و می کنم .

و نمیدانم جنابعالی اطلاع دارید که این بندگاه هم وضعش خیلی بد است ؟ و چون خود من اتفاقاً و خستیم با این جا هم سروکاریدا کردم (خوب چون هیچ غرضی درین نیست صریحاً توضیح میدهم خدمت آقایان) و آن اینست که من تعهد کرده بودم که برای احتیاج مملکت بقند بکارخانه های قند که بزرگ و کرج هشتاد تن ذغال بددهم چون عرض کردم مولده ذغال هستم و استخراج میکنم مراججه کردیم یا بن جوا که بیشید ذغال را برای این دو کارخانه بسیار و محمل کنید قرارداد با وزارت پیشه و حسن داشتم خلاصه چندین روز مراججه کردیم رفتم حرف زدم استدلال کردیم به چوچوچه اهیست ندادند کوش ندادند ملاحظه میفرمایید آقای وزیر دارائی ؟ آقای وزیر پیشه و عفر بهرحال بعد از آنکه مدتها منتظر شرکتی خدمت ستر و بیویان را پیدا کردیم و حضور مبارک ایشان شرکت بشدیم (خنده نمایندگان) بلی . و حرف زدیم و آن آقای دکتر رحمنا معاونشان هم حرف زدند و بحث کردیم بالآخره گفتند که این موضوع را باید کمیته شرق

توانید فردا بروید و اغلب اتومبیلهای وزارت دارائی دارای بغلش را که ملاحظه میفرمایند فرورفتگی دارد شکستگی دارد خوب البته عمل هم دارد آخر شب که آدم خوش بوده خیلی هم خوشحال بیدشود بسرعت بشیران برود و اغلب تصاصم هم روی میدهد اتومبیل دولت هم خراب میشود واقعاً برای ما خیلی خجالت آور است همه آقایان میدانند که اکثر آمریکائیان امسال در ایام عید رفته است (یکی از مازندران برای گردش چرا ؟ آنوقت آقای عدایت (نصر الملک) رئیس کل دیوان محاسبات که مقامش از وزیر دارائی هم بالآخر است این پیرمرد از خانه اش تا اداره اش باید بیناده راه برود یا آقای دکتر ولی الله نصر که در واقع پدر اکثر مهاجرت کرده است آقای دکتر ولی الله نصر که در واقع پدر اکثر

ماها است آقای دکتر نصر مدیر کل وزارت فرهنگ را

میکویم اتومبیل این مرد را ازش میگیرند که برای این پیرمرد محترم توی خیابان تصاصم پیدا شود و حالا در منزل افتاده باشد .

یکی از نمایندگان — حاکم ظهران را بفرمائید .

کاظمی — بلی حاکم ظهران هم همین طور ، این است نتیجه این ادارات و حسن اداره این هم وظیفه شان که این جوری انجام میدهند عرض کنم یک اداره داروئی برای ما درست کرده اند که البته تحت نظر وزارت دارائی است و وزیر بهناری هم در آن یک مداخله دارد یک نفر آمریکائی سرش هست با یکنفر معاون هندی برای امور اداری و یکنفر سرباز آمریکائی بنام معاون فنی و با داشتن این اندانه دو اساز و طبیب و مهندس فنی ایرانی آقایان شاید تمدداشند کارپردازی کل کشور که اک . ک آدرشن است مثل یو که سی . سی ما هم تقلید کردیم این را با ده میلیون تومن صد میلیون ریال از پول خزانه عما برداشته اند داده اند این جا که این اداره که آزادانه کار خودش را بگند و صدی ده هم منافع بددهد بدولت و یک پیر مردی ها نیز یک ملت اقلیت در سر او گذارده اند بنده از آقای وزیر دارائی خواهش میکنم که حساب این چند ماهه را بخواهند و به بینند که نصف سرمایه خود را خورده باشند ؟ شاید آقای وزیر دارائی

بلی عرض کنم آقایان همه خسته شده اند اگر اجازه بدهند راجع باقتصاد هم برای توان باختصار یک عرايضی بکنم و رد اند تحصیل کرده اند، زجت کشیده اند بدرد میخوردند اینها همه دستشان از کار کوتاه است. حالا می آیم سر موضوع مالیات که باید توضیح بدهم و تعجب خواهید کرد. در سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ یعنی قبل از تصدی آقای دکتر میلسپو که باهمان زدزا و نالایقها !!! کارهای مالیه‌ما اداره میشد این مالیات صدی سه چقدر بود؟ در حدود هه الی ده میلیون تومن وصول شده بود در سال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ آقایان قبول ندارید که لااقل قیمت آن کالاهای که مالیات صدی سه مشمول آنها میشود لا اقل شش برابر ترقی کرده است؟ (صحیح است) مثلاً یکی کنندم است کنندم تنی ۶۶ تومن بود حالا شده است تنه سیصد تومن جو حوالاخواری صفت ونه تومن است آنوقت پائزده تومن بود و همینطور همه چیزها که بحث ندارد حالا فکر بفرمایید که پس باید این صدی سههم شش برابر ترقی کرده باشد و پنجاه و چهار میلیون تومن بdest آورده باشیم حالا تصور می فرمایید چقدر بدست آمده است؟ پائزده میلیون تومن. پس باقیش چه شده است؟ چه عرض کنم از وزیر دارائی میپرسم بادکتر میلسپو که کاری نداریم ما عرض کنم که مالیات بر در آمدربودجه سال سیصد و بیست و نه میلیون تومن پیش نیشی شده بود و همینقدر هم وصول شده بود تقریباً ولی در سال ۲۲ گذشته که بودجه دادند بمجلس همان میزان بوده است در صورتیکه همه میدانیم چه معاملات سنگین در سالهای ۲۱ - ۲۲ شده بود جزیمات عجیب و غریبی پیدا شده است راجع باین کار، شرکتهایی که حساب داشتند قدر داشتند و مشکل بوده است که در شرکت کاری بکنند و تمام را دفاتر شان نشان میدهد و می بینید که رقم درآمش، مالیاتش، دو برابر و سه برابر شده است و مالیات افراد و اشخاص این چه شده است؟ یا خورده اند و یا در نتیجه سوء سیاست آقای دکتر میلسپو این قدر خزانه دولت متضرر شده است بادرنتیجه هر دو اینها بوده یک قسمت این طور یک قسمت هم آن طور البته هر دو اینها قابل بحث و تأمل است

میانه موافقت بکند بنده رفق آنجا در ظرف نیمساعت آن شخص محترم که آنچا بود و اورا هم نمی شناختم و سابقه نداشتمن همینکه موضوع را گفتم و فهمید که موضوع البته مربوط به قند است و مورد احتیاج مقدم است و در زندگانی روزانه مردم مؤثر است موافقت کردن و مرایا خود برداشته و تزد آقای شوکمان و از آنچا نزد آقای ویویان درطرف نیمساعت در آنچا این کار را تمام کردن که چون از کارهای دولتی و مربوط بکارخانه قند است باید حمل شود اما بعد چه شد؟ بعد اولاً تمام پولش را خواستند گفتم آقا ما فقیریم گردنمان هم ازمو نازکتر است (خنده نمایند گان) نصفش را میدهیم همانقدر هم دادیم بعد چه شد؟ نمیدانم برای اینکه خلاف واقع نگفته باشم (چون همه کارهای من منظم است پرونده دارد) گویا صد و چندتن فقط حمل کردن و باقی را حمل نکردن و دیدیم فایده ندارد رفیقیم بقیه پول خود را پس گرفتیم چرا؟ چون مقاطعه کاران از من پول میخواستند و در غیر اینصورت حاضر نبودند این کار را بکنند و من هم البته نمیتوانستم بدهم و وجود این اجازه نمیداد حاضر بودم که جریمه تأخیر ذغال را بدهم ولی پول حاضر نبودم بدهم و قبول بفرمایید که همان مقاطعه کارهای اداره بار بری همان ذغال را با قیمت آزادبرای من حمل کردن این موضوع پرونده هم دارد عرض دیگر اینکه شهر کرمان فقیر یکدane کارخانه دارد یک کارخانه رسندگی که چندهزار نفر در آنچا کار میکنند و اعشا میکنند این جاینده لازم داشت بنده شخصاً چندین دفعه رفیق شاید آقایان نمایند گان محترم کرمان هم تشریف برده باشند با بار بری حرف زدیم صحبت کردیم که شهر کرمان فقیر یک چنین کارخانه رسندگی دارد و دوشه هزار نفر آنچا کار میکنند و میدایید که اگر اینها بیکار شوند از بدهی دارد دریک شهر و تویی کوچه ها و بیان میشود پنجه را که نمایند گان این شرکت که شرکت خودشید امش اسیت باز باره دریا بزای اینکه ارزانتر بررسد به بندر عباس واده گرددند بزای اینکه اگر از راه خشکی می آمد و از طریق اصفهان چهل میشید راهش دور می شد و گرانتر میشد

تیمور تقاش - ولی به کتابه دادند..
صمصام - بلی فقط با برایها نمیداشتند.

با حصار هر کس حاضر شد این جا بحث کند منهم حاضر
با او بحث و استدلال کنم البته مشاجره و مذاقه نیست این
جا دیدم صحبت از الفای انحصار است مخصوصاً جناب آقای
دکتر مصدق هم فرمودند بنده از خالقین آن هستم از اینظر
مصلحت مملکت و خواهش میکنم آقای وزیر دارای هم
یک قدری باین عرایض بی سروته ما کوش بدنه الغای
انحصار است صحیح نیست چند روز پیش هم یک یادداشتی
نهیه کرده بودم .. آقای سلطانی نماینده بهبهان میدعوند
از شیراز که میآمدم توی اغلب کوچه های شیراز مردم بقدرتی
که سطع کوچه اجازه میدهد همین طور روی هم خوابیده اند
ولباس نداشتند

اردلان - علشن انحصار است.

کاظمی - نه آقا اجازه بدھید یک مسئله دیگری است
جهش سوء توزیع است در شهر طهران بعد از این همه
معطلي و سرگردانی و اذیت و آزار مردم آمدند و گفتند
بلایم و فروشگاه درست کنیم و یکی سه متر پارچه بدھیم
بعد اعلان کردن که برای شب عید یمردم سه متر پارچه
میدھیم اول روزی پانصد تا تعیان کردند بعد بدھه هزار تا هم
رسید در نتیجه عدم انصباط سوء اداره یکنفر هم کشته شد
چند نفر هم زخمی شدند بعد هم آن عبارت قبیح را دم در
فروشگاه نوشتن که بواسطه این که برخلاف نوبت آمدید
دیگر پارچه نمیدھیم من نفهمیدم خودتان ده هزار نفر را که
دعوت میکنید بیایند چطور در یک محل اینها جم بشوند و
چطور میفرمائید برخلاف نوبت آمده اند چطور در یک محل
ده این شهر بزرگ میخواهید در یک جا بدھه هزار نفر پارچه
بدھید این هم طرز توزیع این هم قیمت این پارچه آن این
قدر این چنانی این هم سوء اداره من دست از سن آقایان
قدن این چنانی این هم سوء اداره من دست از سن آقایان
بر لمیداهم چون مسئله ارزاق است و خیلی هم مهم است
و توجه هم لازم دارد البته همه بخاطر دارید تمام اینکارهای
که دکتر میلسپو کرده و این اختیار ای که بدکتر میلسپو
دادید بالاخره حداقلش این است که مامیخواهیم باشکم
حالی یک لقمه نان بخوایم لااقل همین را که میخواستیم

میلیون پول تقدیم داده اند به مدیریتی رئیس ایل غلیزانی که
کنندم بخرد و با آنها تحویل بددها وهم کارخوبی کردند
بول کنندم را برداشته و تفکر خوبیده و یاغی شده است.

ص ۵۴ - قبل ام یاغی بوده است.
کاظمی - یاغی بوده است دیگر بدتر و مطلب دیگر راجع
به غله کرمانشاه لا بد نمایند کان محترم کرمانشاه باره دو تصدیق
خواهند فرمود میگویند که آقای ابتهاج سمیعی نماینده
و رئیس غله آنجا دو سه میلیون استفاده کرده است در هر حال
نمیدانم آقای وزیر دارائی این شایعه را قبول دارند یا این
شایعه راجع به موضوع غله کرمانشاه در روزنامه هم هست
یکی دیگر راجع به گونی و ۵۰ خوارس را اینبار کرمانشاهان
است اسم گونی بردم یک چیزی یاد آمد که مضمون
قضایا است که عرض میکنم ما در حدود ۲۰۰ هزار تن گندم خالی
در سیلوی طهران داریم و ۱۵۰ هزار تن از این گندم خالی
که نویش خاشاک و فضولات غله است که همینطور اینها باید خود
اینجا مانده است اگر اینها بدرد کار میخورد و بمصرف هر سد
چرا همین طور آنها را آنچا انداخته اند که از این برودو
حال آنکه میشود از گونی ها که دویست سیصد هزار تن است
صد و صد و پنجاه هزار تن گونی درست بکنید آنوقت میروند
گونی میخورد از دکانها و مغازه ها و اینبارها که اینها باید خود
اذیت کرده باشند وهم یک لفت و لیس بکنند اما راجع به
سیلوی تهران موضوع هم این است که غیر از سرک اینبل
موضوع جاری دیگری هم دارد و آن این است که گندم را واقعی
آرد میکنند و زان میزند این راهمه میدانید که بعد از
یختن ربع میکنند یعنی زیاد میشود روزی ۴ اتن یا ۱۷ تن
که آرد از اینبار میاید بیرون حسابش را بکنید به بینید این
تفاوت چقدر میشود مثلاً صدی سی و هشت تفاوت منظور
میکنند و حال آنکه صد و پنجاه و چهار یسا صد و پنجاه و پنج
میشود این تفاوت را که حساب بکنید به بینید سرکجا
میزند این را میبینند و پیشینی فروش ها میدفر و شند واین
همان شیرینی است که من و آقای رئیس دولت و سایرین از
آن میخوریم این همان آرد تفاوت ربع و پنج است غیر من

بازرسی های خود را بعمل آورده بازرسان این وزارت تواند صلاحیت بازرسی را کنار گذارد. علاوه بر این این وزارت تواند دست بکار ایجاد سرویس های بازرسی و بیمه در ادارات کل و قسمتهای میباشد سرویس بازرسی اداره کل باربری راه عملیات در خشانی انجام میدهد. قسمت پخش دارای کارمندانی است که جهت نظارت در پخش کالاهای انحصاری بخارج از تهران اعزام میدارد یک نیروی بازرسی در شرف تشکیل است تا در اجرای قانون مالیات بردرآمد نظارت نماید همان قسم که آن جناب آگاه میباشد بازرسان این وزارت خانه و همچنین بازرسان آن وزارت بعلت نبودن اتومبیل شدیداً بموانع برخورد نموده اند این وزارت خانه دارای رؤسای دارائی امین و فعالی میباشد ولی در بعضی موارد عملاً قادر نیستند که بدایر تابع خود سر کشی نمایند مثلاً دریزد رئیس اداره دارائی هیچ اتومبیل قابل استفاده در اختیار ندارد و بعقیده اینجنبه و مطمئنم که آن جناب نیز با این عقیده موافقید که یکی از وسائل عمده و همین برای از بیرون بردن خیانت و نادرستی داشتن یک پیشکار دارائی آمریکائی در هر یک از آستانهای میباشد در دو استانی که اکنون آمریکائی ها بکار گماشته شده اند نتایج حاصله تا به حال رضایت بخش بوده است. در ظرف ماه اخیر آقای وزیر در اصفهان با مساعدت توأم با فعالیت صاحبمنصبان ایرانی مقدار معتمدی از زندگی در آباد کشف و مبالغ هنگفتی پول مسروقه را پس گرفته اند. پیشکاران دارائی آمریکائی با نیروهای بازرسی خود میتوانند کنترل و نظارت دائمی بیشتر و دقیق تری از مرکز اعمال نمایند و میتوانند بدون لزوم اعزام اتومبیل ها تا بمسافت های طولانی تا خارج از طهران باینکار مبادرت ورزند.

نظر بهمنافی بیشمار عدم تمرکز دادن بازرسی و نظارت این جانب از تأخیری که در کسب وسائل عزیمت آقای گوردن به محل مأموریت ایشان در مشهد روی داده بود بی نهایت متأسف و تکران بوده ام زیرا این تأخیر خسارت ترمیم ناپذیری متوجه دولت و اهالی خراسان نموده است. در اداره امور این یک اصل صحیح و منطقی است که هر وزارت خانه

مؤسسه ای که تحت نظارت میسیون آمریکائی است کمتر شده است معدالک وضعیت هموز بد و موجب نگرانی شدید و فراوانی میباشد. البته آن جناب مسپو قید که نادرستی تنها منحصر به مأمورین این وزارت خانه نیست و تا حد زیادی در کلیه ادارات دولتی وجود دارد ولی البته در جاهای که وضعیت سروکار داشتن با پولهای هنگفت کالاهای گرانها وجود دارد بیشتر محسوس و مشهود است این مطلب نیز صحیح است که کارمندان خانه دولت بوسیله بعضی بازرسان و مالکین نادرست و اشخاص دیگر تطمیع و تشویق میشوند و بالاخره ماباید با این مطلب پی ببریم که در بسیاری از موارد صاحبمنصبان ناصالح سایر وزارت خانه ها با صاحبمنصبان این وزارت خانه دست بدست هم داده وضعیت را بدتر نموده و اصلاح آنرا برای این وزارت خانه مشکل تراسته اند ضمناً مایلم این مطلب را در این سازم که اینجنبه معتقد نیستم که کلیه صاحبمنصبان ما نادرست میباشند زیرا بسیاری از صاحبمنصبان ایرانی این وزارت خانه اشخاص کاملاً درست کاری بوده و اینجنبه از همکاری با آنان مقتصر و سرافراز میباشم آن جناب و دولت اذعان دارید که تدبیر مختلفه ای برای بارزه با فساد و ارتقاء کنونی باید اتخاذ گردد درین این تدبیر اجازه میخواهم تدبیر زیر را تأکید نمایند تثبیت قیمتها - افزایش حقوق کارمندان - تخفیض و ترفع کارمندان صالح - برقراری سیستم صحیح حسابداری و نظارت های دیگر و تأسیس سازمان خوب و بطور کلی اداره امور بطرز صحیح.

برای اجرای آئین نامه ها و انجام مسئولیت صاحبمنصبان این وزارت خانه بازرسی های مکرر نهایت ضرورت را دارد و همین موضوع بازرسی ها است که بالآخر مایلم آن را مطرح نمایم. در موقعیت که دیگر ریاست کل دارائی را بعهده گرفتم یکی از اقدامات اولیه اینجنبه تأسیس یک اداره کل بازرسی بود و احساس مینمایم که این اداره کل پیوسته اثر بخش تر گردیده است در حال حاضر این وزارت خانه دارای چندین هیئت بازرسی است که در نقاط مختلفه کشور مشغول انجام وظیفه بازرسی است که در نقاط مختلفه کشور مشغول انجام وظیفه میباشد اینجنبه عملیات این هیئت هارا مورد توجه دقیق قرار داده و با خشنودی و رضایت ملاحظه مینمایم که مشغول

کنند که من خیلی با ختصار گذشتم (خنده بعضی از نمایندگان عجب!) عرض کنم دو روز حرف دارم یک چیز را نمیتوانم بگویم همه مسائلی را که گفتم راجع بد کتر میلسپو اینها همه مسائل مالی است ملت ایران ممکن است آنها را تحمل کند ولی ملت ایران به چوچه و بهیچ قیمت حاضر نیست و نمیخواهد خارجی حق حاکمیت در این مملکت داراشود (صحیح است) این را بهیچ قیمت قبول نمیکند (صحیح است) گذنی که دکتر میلسپو به وزارت دادگستری وقت نوشته است و در جراید هم نوشته شد لابده آقایان خوانده اند اگر هم نخواهند اند من میخواهم و تعجب میکنم از آن وزارت دادگستری که این کاغذ را دیده و خوانده و آورده را با پشت گردانی بیرون نکرده این آقا یک موضوعی است که بحسان ترین روش میخورد این را ما نمیتوانیم زیربارش برویم دیگر (صحیح است) اگر بنظر ما دکتر میلسپو به بهترین وضع هم امور ارزاقی و مالیاتی و اقتصادی ماراهم اداره کرد و بود در نتیجه این اشتباهش باید از او دوری کنیم که برود عقب کارش (صحیح است) بلی این نامه خیلی مفصل است من هم خسته شدم و خواهش میکنم آقای طوسی آنرا قرائت بفرمایند. بلی در این کاغذ با آن اختیارات پر عرض و طولی که تمام قباله این کشور را هم بحسب ایشان داده اند اشتباهی ایشان هنوز سیر نشده و حالا هم در نظر دارند که اختیارات قضائی هم بایشان داده شود. (آقای طوسی متن نامه رئیس کل دارائی را بشرح زیر خواندند) جناب آقای وزیر دادگستری.

عطاف به مکاتبات و مذاکرات ما راجع به بی ترتیبی ها و اختلالات در شهرستانهای مخصوصاً در مرور دخوار بار و پخش کالاهای انحصاری آن جناب پیشنهاد فرموده اید که بازرسان وزارت دادگستری با بازرسان وزارت دارائی متفقاً بازرسی های بعمل آورده اگر کلیه ایرانیان روشن فکر درباره فسیاد و رشوه خواری که در مورد عملیات بازرسانی دولت وجود داشته و هنوز هم وجود دارد تبیین نگراند. دولت خسارهای هنگفتی متحمل شده و باز هم میشود. ولی مردم شاید بیش از همه متحمل این خسارهای میباشند در عین اینکه یقین دارم که ارشاد در

و مساعdet از آن وزارت خواهد نمود. البته تمایل این وزارت توانیه آن است که کارمندانی که بادستانی تسلیم میشوند شدیداً مورد تعقیب و آنهائی که بدادگاهها جلب میشوند فوراً محکمه وطبق مدارک جرم با آنها رفتار شود بنظر این جانب شایسته است که آن وزارتخانه توجه بیشتری باین قسمت از موضوع مبذول دارد و مadam که مجازات سریع و معینی درباره مجرم اجراء نشود از بازرسان استفاده نسبة کمی مترتب میگردد. اجازه میخواهم این نکته را نیز علاوه نمایم که اینجانب شایسته نمیدانم که بادستانی محل دردارات تحت نظارت اینجانب اقدام ببازرسی نمایند و با رویشه برای های محل که صاحبمنصبان این وزارتخانه را بصرف سوءظن و گزارشات پایزاداشت مینمایند نیز موافق نیstem در هواقعی که فرماندار بادستان یا شهربانی محل دلائلی از جرم در دست دارند باید موضوع را به پیشکار دارائی محل (درصورتی که بوى اطمینان داشته باشند) اطلاع دهند و چنانچه بوى اطمینان ندارند مرآتب بایستى از طریق وزارت مبوطه باینجانب اطلاع داده بشود اطمینان دارم آنچنان بآنظریات اینجانب موافق میباشد. این مطلب کاملاً حائز اهمیت و مطلوب است که آن وزارتخانه بنحویمی براحت ازین بردن ارتقاء و قساد تشریک مساعی نمایند و اینجانب خوشوقت خواهند بود که موضوع وسائلی را که با آن میتوانیم تشریک مساعی را برقرار و مؤثر ساخت بعداً با آن جناب مورد مذاکره قرار دهیم.

رگیسٹریکل دارالقی

کاظمی - ملاحظه قرموید این هم متن کاغذ ایشان بود اول هم عرض کردم با آن همه اختیارات عربی و طویل حالاً اختیارات قضائی را هم میشواهند در دست بگیرند.
قطابت - این طور نیست آقا این کاغذ را ایشان باحسن بیث نوشته اند.

کاظمی - بشده در اول هم عرض کردم در حسن نیت ایشان هیچ شک و تردید نداشتم حالاً هم دارم و در اشتباہات مستقیم با مجلس شورای ملی دارم (صحیح است) آنها هستند

باید این را عرض کنم و اضافه کنم من بسیاری از امریکاییها میشناسم و بانهایت حسن نیت خدمت میکنند و البته شخصی پاکدامن خدمتگذار را هم باید تشویق کرد و مورد تقدیر هم قرار داد و اگر هم اعتراض میکنم این اعتراض بکل میسیون امریکایی نیست بلکه در درجه اول مربوط است بر قیاس میسیون امریکایی و بعد هم بعضی از آنها که بنتظر من خیلی صلاحیت انجام وظایف خودشان را ندارند (صحیح است) بندе در آخر هم عرض میکنم که یکی دو تا هم یادداشت بمن رسید که خیلی هم صحیح بود و بعضی از تذکرات نسبت بامور مالی بود که همهاش درست است و صحیح است ولی از یادداشت گفتدگات استدعا میکنم بگذارند برای آقایان دیگر چون من خیلی حرف زدم و در آخر عرایض هم دو پیشنهاد دارم که بنتظر من اکر مجلس وارد این جریان بشود و از راه قانون این کار را بگند خیلی مفید و مؤثر است اولاً کویا خاطر آقایان باشد که ما طبق قانون اساسی یک دیوان محاسباتی هم داریم که این نظارت دائمی در امور مالی مملکت و دارائی مملکت دارد اجازه بفرمائید این دیوان محاسبات ... به بخشیده این دیوان محاسباتی که: آن آنچه نشسته اند اگر چه من یک وظیفه اخلاقی هم دارم که باید بعرض مجلس برسانم و بگویم این اشخاصی که این دیوان محاسبات و محکم آنرا تشکیل داده اند یک مشت از صالحترین مردم این مملکت اند (صحیح است) ولی تمام اختیاراتی که قانون اساسی و قانون دیوان محاسبات و محاسبات عمومی باین دیوات داده است برای نظارت تام در امور مالی و رسیدگی همه اینها را از دیستشان گرفته اند و در حقیقت این دیوان ناظر امور مالی و از طرف مجلس شورای ملی انتخاب شده است و حالاً هم مجلس باید چیزهای غلط را لغو و منحل کند و طبق قانون اساسی اختیارات قانونی و حقیقی دیوان محاسبات را بدهد و حق اورا اذا کنند که لو بتواند کار کند و نظارت کند در حقیقت دیوان محاسبات و مستشاران او و دادستان او متناسبات مستقیم با مجلس شورای ملی دارند (صحیح است) آنها هستند

به سنجند به بینند و به مجلس شورای ملی گزارش بدهند و نتیجه عملی را به مجلس شورای ملی پیشنهاد بکنند این عرض بنده است این هم خاتمه عرایض.

۴- موقع و دستور جلسه آتیه - ختم جلسه
رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است (صحیح است)
جلسه آینده روز پنج شنبه سه ساعت بظهور مانده دستور هم بقیه شور در برنامه دولت (صحیح است)
مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد
رئیس مجلس شورای ملی - محمد صادق طباطبائی

که شما را در جریان می گذارند و از حیف و میل ها باید جلوگیری کنند شما هم وظیفه دارید آنها را تقویت کنید و با قانون آنها را تقویت کنید که بتوانند کار کنند و خدا میداند این عرایض که کردم روی هیچ نظری نبود حالاً ممکن هم هست اشتباه کرده باشم اگر هم خدای نخواسته اشتباه کرده باشم شما بروید و با حسن نیت اصلاح کنید یک نظر دیگری هم داشتم که در مجلس سابقه هم دارد ۱۲ نفر را انتخاب کنید که مسائل راجعه بامور مالی را کلاً در حدود پانزده روز ۲۰ روز (وقت زیاد هم لازم ندارد) بروند